

نقد موضع « حزب دنیای کارگران » ایالات متحده در مورد انتخابات ریاست جمهوری در ایران

حزب دنیای کارگران (ایالات متحده) در سرمقاله اول ژوئیه ۲۰۰۵ نشریه اینترنتی خود زیر عنوان « کارگران ایران به ایالات متحده می گویند: دستها کوتاه! » در مورد انتخابات ریاست جمهوری ایران می نویسد: « رسانه های ایالات متحده همگی شگفتی خود را از پیروزی محمود احمدی نژاد شهردار تهران ابراز میکنند. » و می افزاید: « شگفتی واقعی، سر بر آوردن کارگران ایران بود که رأیشان باعث پیروزی احمدی نژاد شد. » این حزب تا آنجا پیش میرود که رفسنجانی را خواهان « گشایش درها به روی بانک جهانی و سیاستهای نئولیبرالی » و احمدی نژاد را مخالف « ظهور بانکهای خصوصی و خصوصی سازی به خاطر تعمیق بیکاری و فقر؛ و خواستار ایجاد اشتغال، افزایش مزدها، بهبود مسکن، گسترش بیمه بهداشتی و درمانی، و کمکهای اجتماعی به کارگران، تهیدستان و زنان » و « توزیع عادلانه در آمد عظیم نفت » معرفی میکند.

سرمقاله حزب دنیای کارگران، فارغ از هر « نیت خیری » که نویسنده یا نویسندگان آن ممکن است در سرداشته باشند (مانند مبارزه با سلطه طلبی و جنگ افروزی امپریالیسم امریکا، حمایت از خواست کارگران ایران در زمینه ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری، افشای سیاستهای نئولیبرالی، بانک جهانی و غیره)، عملاً بر انتخاباتی که همه ناظران سیاسی و اکثریت قریب به اتفاق فعالان آن روند و نتایجش را مخدوش و حتی نا منطبق بر قوانین خود جمهوری اسلامی ارزیابی میکنند صحنه میگذارد، احمدی نژاد را همچون « رئیس جمهورمنتخب کارگران ایران » توصیف میکند و با مدیحه سرائی او، خواسته یا ناخواسته، رژیم ارتجاعی و خون آشام جمهوری اسلامی را تأیید مینماید.

بخش آگاه و پیشرو کارگران ایران و همه انقلابیان ایران به خوبی میدانند که در ۲۷ سال گذشته افسانه ضد امپریالیست بودن رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت حمایت آن بدین اعتبار (حتی به طور موردی و توأم با انتقاد)، یکی از موانع مهم ایدئولوژیکی در راه استقلال نظری، سیاسی، عملی و تشکیلاتی طبقه کارگر ایران بوده است. آنها دشمنی مدافعان چنین ترهائی با جنبش کارگری و جنبش دموکراتیک در ایران را، حتی اگر، وبویژه اگر، از جانب نیرو هائی که خود را « چپ و کمونیست » می نامیدند همواره نقد و افشا کرده اند. آنها همچنین میدانند که حتی اختلافات واقعی (و نه جنگ زرگری) رژیم با قدرتهای امپریالیستی نه بر سر منافع مردم، بلکه در درجه اول به منظور تداوم حیات ننگین جمهوری اسلامی، و در درجه بعدی بر سر وجود و نقش رژیم جمهوری اسلامی همچون قدرتی منطقه ای است.

در زیرترجمه فارسی سرمقاله حزب دنیای کارگران واصل انگلیسی آن، نقدمان بر این سرمقاله و ترجمه انگلیسی آن را - که به سایت این سازمان فرستاده ایم - درج میکنیم ما از همه کارگران پیشرو و همه نیروهای انقلابی و دموکرات ایران خواستاریم انتقاد و اعتراض خود را به حزب دنیای کارگران ارسال دارند و بدینسان به تصحیح موضع نادرست این حزب و آگاه کردن افکار عمومی (دست کم در حد مراجعان به سایت این حزب) کمک کنند.

سرمقاله « دنیای کارگران » سایت « حزب دنیای کارگران » ایالات متحده، مورخ اول ژوئیه ۲۰۰۵

با تهدید ایران به جنگ از جانب حکومت بوش، انتخابات ریاست جمهوری در این کشور بیش از هر انتخاباتی، از انقلاب ۱۹۷۹ که رژیم شاه را سرنگون کرد و نظام نو استعماری ایالات متحده را بیرون انداخت تا کنون، توجه جهانیان را به خود جلب نمود.

رسانه های ایالات متحده همگی شگفتی خود را از پیروزی محمود احمدی نژاد شهردار تهران ابراز میکنند شگفتی واقعی سر بر آوردن کارگران ایران بود که رأیشان باعث پیروزی احمدی نژاد شد.

ایران در رکود اقتصادی عمیقی با ۱۵ تا ۲۰٪ بیکاری بسر می برد. اعتراضهای کارگری ای که در دو دهه گذشته سابقه نداشته اند در این کشور گسترش یافته اند.

نامزد ریاست جمهوری ای که ایالات متحده انتظار پیرویش را داشت اکبر هاشمی رفسنجانی بود که سرمایه دار ثروتمندی است. برنامه اقتصادی او تسریع خصوصی سازی و [جلب] سرمایه گذاری خارجی بیشتر بود. او درها را به روی بانک جهانی و سیاستهای نئولیبرالی آن گشود. تا آنجا که به تهدیدهای ایالات متحده مربوط میشود رفسنجانی همچون کسی تصور میشد که روابط دوستانه ای با ایالات متحده دارد و میتواند با ایالات متحده کنار بیاید.

همه چیز به کنار، او یکی از بازیگران قضیه «ایران - کنتررا» یعنی ماجرای فروش پنهانی سلاح از جانب رونالد ریگان و اولیور نورث به ایران در جریان جنگ این کشور با عراق، در قبال کمک ایران به آزادی گروگانهای امریکائی در لبنان بود.

از سوی دیگر احمدی نژاد از جنبش انقلابی ای سر برآورده که رژیم دست نشانده امریکائی شاه را سرنگون کرد.

احمدی نژاد که آهنگرزاده است، مبارزه انتخاباتی پوپولیستی ای را به پیش برد، ظهور بانکهای خصوصی و برنامه خصوصی سازی را به خاطر تعمیق بیکاری و فقر نکوهش کرد. برخی حتی او را سوسیالیستی اسلامی توصیف میکنند. این توصیف احتمالاً بیشتر بیانگر انتظار کارگران از انتخاب اوست. احمدی نژاد وعده ایجاد اشتغال بیشتر، مزدهای بالا تر، مسکن بهتر، گسترش بیمه بهداشتی و درمانی و کمکهای اجتماعی به زنان را وعده میدهد. او همچنین توزیع عادلانه تر ثروت عظیم نفتی ایران را نوید میدهد بجای اینکه به قول او این ثروت در اختیار «یک خانواده ثروتمند» قرار گیرد. کارگران و تهیدستان ایران با شمار بحد کافی بالا بیرون آمدند و رأی دادند تا پیامی بفرستند. آنان برای کار رأی دادند و نه برای بانک جهانی. رأی آنان به ایالات متحده گفت: دستها کوتاه.

متن انگلیسی سرمقاله حزب دنیای کارگران درباره انتخابات ریاست جمهوری در ایران

Iran's workers to U.S. : hands off

Published Jul 1, 2005 9:25 PM

With the Bush administration threatening war on Iran, that country's presidential election got world attention, more than any election since the 1979 revolution that overthrew the shah and ousted the U.S. neocolonial regime.

The U.S. media reports all claimed surprise over the victory of Mahmoud Ahmadinejad, the mayor of Tehran. The real surprise was the emergence of the Iranian workers, whose votes gave Ahmadinejad his victory.

Iran is in a deep economic recession, with unemployment estimated at between 15 and 20 percent. There have been widespread protests by workers, unlike anything seen for two decades.

The presidential candidate the U.S. expected to win, Akbar Hashemi Rafsanjani, is a wealthy business owner. His economic program was to accelerate privatization and encourage more foreign investment. He invited in the World Bank and its neoliberal policies. As for the threats from the U.S., Rafsanjani was seen as someone friendly to the European imperialist powers who could also be accommodating to the U.S.

After all, he was one of the principal operators in the “Iran-Contra” affair, when Ronald Reagan and Oliver North secretly sold arms to Iran, while it was at war with Iraq, in return for Iran’s help in securing the release of U.S. hostages in Lebanon.

Ahmadinejad, on the other hand, comes out of the revolutionary movement that overthrew the U.S. puppet regime of the shah.

Ahmadinejad, the son of an ironworker, ran a populist campaign, blaming the emergence of private banks and the privatization program for the deepening unemployment and poverty. Some even describe him as an Islamic socialist. That probably better describes what many workers hope they’ll get through this election. Ahmadinejad promises he’ll bring more jobs, higher wages, better housing, expanded health insurance and more social benefits for women. He also promises a fairer distribution of Iran’s vast oil wealth—instead of by “one powerful family,” as he put it.

Iran’s workers and poor came out and voted in numbers big enough to send a message. The vote was for jobs, not the World Bank. And the vote told the U.S.: hands off.

This article is copyright under a [Creative Commons License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).
 Workers World, 55 W. 17 St., NY, NY 10011
 Email: ww@workers.org
 Subscribe [wwwnews-subscribe@workersworld.net](http://www.workersworld.net/subscribe)
 Support independent news <http://www.workers.org/orders/donate.php>

نقد سرمقاله «دنیای کارگران»

سر دبیر سایت دنیای کارگران
 آقا یا خانم گرامی

سرمقاله مورخ اول ژوئیه شما درباره پیروزی محمود احمدی نژاد در به اصطلاح «انتخابات ریاست جمهوری» در ایران شگفتی بسیاری در میان ایرانیانی که آن را خوانده اند برانگیخته است. بویژه در بین کمونیستها و دموکراتهای ایران وهمه زنان و مردان درستکاری که دانشی عینی از اوضاع فاجعه آمیز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران دارند و چیزی از مبارزه طبقاتی تلخ و خونینی که در طول سه دهه اخیر در ایران جریان داشته میدانند: آنها نمیتوانند اندوه، خشم و انزجار خود را از موضعگیری غیر عادلانه و اشتباه آمیز شما در این امر پنهان کنند. میگوئیم «اندوه»، زیرا این موضعگیری نه از رسانه ای وابسته به جمهوری اسلامی ایران و یا امپریالیستهای حامی این رژیم ارتجاعی، بلکه از جانب حزبی صورت میگیرد که پایبندی خود را به رهائی طبقه کارگر، انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی با مردمان زیر ستم اعلام کرده است!

شما محمود احمدی نژاد را با صفاتی چون «انقلابی»، «ضد سرمایه دار»، «سوسیالیست اسلامی»، «ضد امپریالیست» و غیره توصیف میکنید. شما او را «آهنگرزاده» ای تصویر میکنید که از انقلاب ۱۹۷۹ ایران به ضد رژیم شاه و سلطه ایالات متحده سر بر آورد. واقعیت این است که او نه انقلابی است، نه ضد امپریالیست، نه ضد سرمایه دار: او چیزی جز یکی از مرتجع ترین، ضد دموکرات ترین، ضد انقلابی ترین چهره ها در صحنه سیاسی ایران نیست.

شما قطعاً از اتهامات جدی بر او همچون مسؤل تدارکات و رهبر «تیم ذخیره» در قتل مخالفان سیاسی رژیم در سال ۱۹۸۹ دراتریش آگاهید. در آن هنگام رفسنجانی رئیس جمهور رژیم اسلامی

ایران و علی خامنه ای، مانند امروز، رهبران بود. طبق شهادت شماری از اشخاص مطلع (از جمله برخی از مأموران سابق عملیات تروریستی رژیم در خارج از کشور)، و اطلاعات و بیانیه های فعالان حقوق بشر، برخی از چهره های سیاسی در اتریش، بسیاری از روزنامه نگاران مستقل، خانواده ها و نزدیکان قربانیان، خامنه ای و رفسنجانی آمران اصلی این قتل سیاسی بودند و احمدی نژاد جزء مجریان آن.

از دیدگاه طبقاتی، احمدی نژاد خدمتگزار مطیع سرمایه داران و دیگر طبقات داراست. بطور دقیقتر، او نوکر وقیح بخش بوروکرات - نظامی - مذهبی بورژوازی ایران است. این بخش در اتحاد با بخشی از تجار بزرگ، دست بالا را در درون طبقه بورژوا دارد. بورژوازی بوروکرات - نظامی - مذهبی و تجار بزرگ متحد آن در مبارزه ای دائمی نه تنها با کارگران و زحمتکشان بلکه با دیگر بخشهای بورژوازی برای تصاحب بخش اعظم سود هائی که از استثمار وحشیانه کارگران و زحمتکشان حاصل شده، و برای حفظ و تحکیم سلطه سیاسی و فرهنگی خود، علاوه بر برتری اقتصادی، درگیرند.

شما در سرمقاله خود میکوشید احمدی نژاد را همچون *آنتی تر مردمی* رفسنجانی توصیف کنید؛ واقعیت این است که او مخلوق رفسنجانی و دیگر مقامات بالای رژیم اسلامی است. رفسنجانی بود که او را به مقام استانداری اردبیل در شمال غربی ایران ارتقا داد. رقابت و مسابقه کنونی آنها را تنها در چارچوب تضاد های درونی طبقه حاکم و دار و دسته حکومتگر میتوان توضیح داد.

احمدی نژاد «فردی مردمی در مقابل دستگاه» یا در مقابل سلطه امپریالیستی یا تهدید های امپریالیستی نیست (بر خلاف آنچه از سرمقاله شما میتوان استنباط کرد)، او کسی نیست که از بیرون وارد گود شده باشد، بعکس: او آدم همین دستگاه یا به عبارت دیگر، قطعه یدکی ماشین دولتی بورژوازی در لحظه کنونی است.

از نظر شما کارگران ایران با انتخاب احمدی نژاد «به کار [اشتغال] و نه بانک جهانی رأی دادند». و با رأی خود به ایالات متحده گفتند: دستها کوتاه. به رغم بحث و نتیجه گیری شما، هر ناظر عینی گرا و مطلعی تأیید خواهد که: الف) بانک جهانی سرمایه گذاری قابل توجهی در ایران نکرده و در آینده نزدیک نیز (بویژه با توجه به مدیریت جدید آن) این کار را نخواهد کرد و ب) بیکاری انبوه در ایران محصول سرمایه گذاری یا سیاستهای بانک جهانی در ایران نیست (به این دلیل که این بانک نقش ناچیزی در اقتصاد و سیاست ایران در حال حاضر دارد)؛ بیکاری انبوه در ایران محصول قوانین انباشت سرمایه داری و شیوه تولید سرمایه داری بطور کلی است که سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی ایران و برخی گرایشهای نیرومند در محافل حاکم که بیشتر به نفع تجار و واسطه های انگل عمل میکنند تا بنفع سرمایه داران صنعتی مولد، آن را تشدید می نمایند. در نتیجه رژیم جمهوری اسلامی ایران مانع عمده در راه پیشرفت اجتماعی، آزادی و رفاه مردم و مانع عمده در راه انقلاب کاری در ایران است. این رژیم، و بطور کلی سلطه بورژوازی در هر شکل آن، اهرم اصلی و تکیه گاه سلطه امپریالیسم در ایرانند. سیاست ارتجاعی داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران، تغذیه کننده و تقویت کننده سیاست ارتجاعی جورج دبلیو بوش، و به اصطلاح «جنگ با تروریسم» اوست، که نام مستعار جنگهای امپریالیستی ایالات متحده برای سرکردگی بر جهان، جنگهای توسعه طلبانه، الحاق طلبانه و سلطه طلبانه است.

شما از شمار نسبتاً بالای آرای احمدی نژاد سخن میگوئید. این شاید عمده دلیلی باشد که باعث شده این آرا را به کارگران نسبت دهید، و در همان حال شعار های عوامفریبانه انتخاباتی او را به «قیمت اسمی» آنها می خرید!

ما نمیتوانیم در اینجا به تفصیل به این موضوعات بپردازیم و به یاد آوری نکات زیر بسنده میکنیم:

- هیچکس در ایران، شاید غیر از رهبر جمهوری اسلامی و شورای نگهبان - ارگانی که اساساً برای از صافی گذراندن نامزد ها تعیین شده (در انتخابات اخیر از بیش از ۱۰۰۰ نامزد تنها

صلاحیت ۶ تن را تأیید کرد که بعداً رهبر دوتا از نامزدهای حذف شده را به این شش تن افزود!) - صحت و قانونی بودن این انتخابات را قبول ندارد؛ همه میدانند که نیروهای پاسدار و بسیج و آخوند ها وسیعاً در انتخابات دخالت و جانبگیری کردند تا آرا را بفع احمدی نژاد تغییر جهت دهند

- از مجموع تقریباً ۴۸ میلیون نفر واجد شرایط برای رأی دهی تقریباً ۱۷ میلیون نفر به احمدی نژاد و حدود ۱۱ میلیون نفر به رفسنجانی رأی دادند، یعنی حدود ۲۰ میلیون نفر از واجدان شرایط رأی ندادند. شما چگونه نتیجه میگیرید که اکثریت کارگران به احمدی نژاد رأی دادند؟ از نظر آماری طبیعی است فرض شود که شمار کارگران در بین ۲۰ میلیون نفر (که بطور تصادفی انتخاب شده باشند) از شمار کارگران در بین ۱۷ میلیون نفر (که باز هم بطور تصادفی انتخاب شده باشند) بیشتر است. افزون بر این، بخشی از ۱۱ میلیون رأی رفسنجانی، رأی کارگران است (رفسنجانی دارای نفوذی هر چند کاهش یابنده در میان باصطلاح «شورا های اسلامی کار» (سازمانهای کارگری وابسته به حکومت) است. بنا براین هیچ دلیلی بر اینکه اکثریت کارگران بفع این یا آن نامزد رأی داده باشند وجود ندارد.
- خود احمدی نژاد و احزاب و سازمانهای پشتیبان او هرگز چیزی به ضد بخش خصوصی نگفتند. رهبر یکی از این احزاب بسیار متنفذ اخیراً گفت که همه بنگاههای دولتی غیر از نفت و تلویزیون دولتی باید خصوصی شوند. احمدی نژاد یکی دو بار کلماتی در باره نرخ بالای بهره بانکهای خصوصی و «نقش قمار گونه» بازار اوراق بها دار بر زبان آورد اما بسرعت این «تیق ها» را تصحیح کرد.
- شما روی منشأ طبقاتی پائین احمدی نژاد انگشت میگذارید، ما فکر میکنیم نیازی به یادآوری نیست که کم نبودند آمهائی که از میان زحمتکشان برخاستند و بعداً به بدترین دشمن آنان تبدیل شدند: موسولینی و هیتلر هم منشأ طبقاتی پائین داشتند.

ما درک میکنیم که شما خواسته اید از آنچه فکر میکنید ممکن است خواستهای طبقه کارگر ایران باشد پشتیبانی کنید و سیاستهای ارتجاعی و جنگ طلبانه بوش را افشا سازید. اما ما فکر می کنیم که همبستگی با کارگران ایران با ستایشی که شما از یکی از متعصب ترین چهره های ضد کمونیست و ضد دموکرات در ایران به عمل آورده اید سازگاری ندارد، کسی که خود و مرشدان مرتجع و خون آشامش تنها با ملاها و ژنرالهای اندونزی در سالهای ۱۹۶۰، با شکنجه گران در شیلی و آرژانتین خونتاهای نظامی، با ایران دوران شاه، با یونان سرهنگها، با اسپانیای فرانکو و غیره قابل مقایسه اند. ما امیدواریم که شما موضع نادرست خود را تصحیح کنید و همبستگی خود را با کارگران از نظر طبقاتی آگاه ایران و همه نیروهای راستین انقلابی که درگیر مبارزه مرگ و زندگی با رژیم جمهوری اسلامی هستند، و نیز با انقلابیان همه کشورها نشان دهید.

شما میتوانید تمام یا بخشی از این متن را در سایت خود درج کنید (ما از شما دعوت میکنیم این کار را انجام دهید).

با بهترین احترامات

جمعی از کمونیستهای ایران

www.azarakhsh-org.net

email@azarakhsh-org.net

متن انگلیسی نقد سرمقاله «دنیای کارگران»

Workers World

July 8, 2005

To Editor: Dear Sir, Madam,

Your Editorial of July 1, 2005, concerning the victory of Mahmoud Ahmadi Nejad in the so called « presidential election » in Iran, has evoked a great astonishment among the Iranians who have read it. Especially among the Iranian communists, democrats and all honest women and men who have some objective knowledge of the dramatic political, economic, social and cultural situation in Iran, and know something about the bitter and sanguinary class struggle in this country during the past three decades: they cannot conceal their sorrow, their fury and their indignation about the unjust and erroneous position that you have taken in this affair. We say “sorrow”, because this position does not come from a media depending on Republic Islamic of Iran or imperialists who support this reactionary regime, but from a Party whose declared positions are the emancipation of the working class, proletarian internationalism, and solidarity with the oppressed peoples!

You are describing Mahmoud Ahmadi Nejad as a “revolutionary”, “anti-capitalist”, “Islamic socialist”, “anti-imperialist” and so on. You are portraying him as the “son of a blacksmith” who came out of the Iranian 1979 revolution against the regime of Shah and the US domination in Iran.

The fact is that he is neither a revolutionary, nor an anti-imperialist, nor anti-capitalist: *he is nothing but a most reactionary, anti-democratic, anti-revolutionary figure in the political scene of Iran.*

You are certainly aware of serious accusations against him as the responsible of logistics support and as the head of the “reserve team” in the assassination of political opponents of Iranian regime in Austria in 1989. At that time Rafsanjani was president of Islamic Republic of Iran, and Ali Khamenei was, as he is today, the Supreme Guide; Khamenei, Rafsanjani, were the principal commanders of this assassination, and the same Ahmadi Nejad was one of the executors of this barbarous act, according to the testimonies of a number of informed people (including certain ancient agents of Iranian terrorist operations abroad), and the information and statements of a number of human rights activists, some political figures in Austria, many independent journalists, families and surroundings of the victims.

From a social class point of view, Ahmadi Nejad is a docile servant of capitalists and other propertied classes. More precisely, he is a cynical lackey of the bureaucratic-military- religious faction of the bourgeoisie in Iran. This faction, in alliance with a section of large merchants and commercial bourgeoisie, maintains the upper hand inside the bourgeois class. It is in permanent struggle not only against the workers and the toiling people, but also against other sections of the bourgeoisie for appropriating the lion share in the profits extracted from the brutal exploitation of the working class and toiling people, and in order to preserve and consolidate its political and cultural hegemony in addition to economic supremacy.

You are trying, in your Editorial, to describe Ahmadi Nejad as the *popular antithesis* of Rafsanjani; the fact is that he is a creation of Rafsanjani and other high rank officials of the Islamic Regime. It was Rafsanjani who promoted him as the governor (prefect) of Ardebil province in the northwest of Iran. *Their present rivalry and competition can only be explained in the framework of the internal contradictions of the ruling class and the reigning clique.*

Ahmadi Nejad is not a “man of the people against the Establishment” or against the imperialist domination and imperialist threats (as one can deduce from your Editorial), he is not an “outsider”, on the contrary: he is a man of the Establishment, in other words, an interchanging part of the state machine serving the Iranian bourgeoisie at present.

According to you, the Iranian workers elected Ahmadi Nejad “for jobs, not the World Bank. And the vote told the U.S.: hands off.” Despite your argument and your conclusion, any objective and informed observer will assert that: a) the World Bank does not have considerable investment in Iran and it is not going to do so in the near future (especially if we take account of its new managing team), and b) the large unemployment in Iran is not a result of the World Bank investment or policies in Iran (for the fact that they have a negligible small role in Iranian economics and politics at present); *the large unemployment in Iran is a result of the laws of capitalist accumulation and capitalist mode of production in general, accelerated by the reactionary policies of the regime of Islamic Republic of Iran, and some powerful tendencies in the ruling circles in favour of parasitic merchants and intermediaries rather than productive industrial capitalists.*

Consequently, the regime of Islamic Republic of Iran is the main obstacle in the way of social progress, freedom and welfare of the people, and the main obstacle in the way of the proletarian revolution in Iran. This regime and generally, the bourgeois domination in any form, are the main lever and mainstay for the imperialist domination in Iran. The reactionary internal and foreign policy of the Islamic Republic of Iran feed and reinforce the reactionary policy of G. W. Bush, and his so called “war on terrorism” which is the pseudonym of the US imperialist wars for world hegemony, wars of imperialist expansion, annexation and domination.

You are talking of relatively large number of votes to Ahmadi Nejad. This is perhaps the main reason that makes you attribute these votes to the workers, and at the same time you buy demagogic electoral slogans of Ahmadi Nejad at their “face value”!

We cannot elaborate these issues in detail here however, we mention the following points:

- No one in Iran admits the health and regularity of this election, excepted perhaps the Supreme Guide, the Council of the Guardians of the Constitution – a body essentially assigned by the former to filter the candidates – (in the last elections it eliminated more than 1000 candidates and approved only 6, to which the Guide himself added two other candidates!), everyone knows that there were massive intervention and implication of military, paramilitary forces and mullahs in order to “redirect” the votes in favour of Ahmadi Nejad.
- From almost 48 million people qualified for voting, Ahmadi Nejad’s votes counted about 17 millions and Rafsanjani’s about 11 millions: about 20 millions of the qualified population didn’t vote. How do you conclude that the majority of the workers voted for Ahmadi Nejad? Statistically, it is normal to

suppose that in 20 millions people (chosen randomly) there are more workers than in 17 millions (also chosen randomly). Furthermore, a fraction of the 11 millions votes for Rafsanjani, was the vote of the workers (Rafsanjani has some influence, though it is declining, in the so called “Islamic Workers Councils” – governmental worker organization). So, there is no evidence that the majority of workers voted for any candidate.

- Ahmadi Nejad himself, and the parties and organizations who supported his candidacy, had never pronounced anything against the private sector. The leader of one of these very influential parties maintained recently that all state enterprises should be privatised, except petroleum industry and state TV broadcasting. One or two times Ahmadi Nejad said some phrases against the high interest rate of private banks or the “gambling function” of stock exchange market, but he rapidly corrected these “lapses”.
- You underline Ahmad Nejad’s modest class origin, we think that we don’t need to mention to you that many people coming out of toiling people became eventually their worst enemies: Mussolini and Hitler also had modest class origins.

We understand that you wanted to support what you thought might have been the aspirations of Iranian working class and to reveal Bush administration’s reactionary and war mongering policy. But, we think that solidarity with Iranian workers is incompatible with the eulogies that you have made in favour of one of the most fervent anti-communist and anti-democratic figures in Iran, who with his reactionary and bloodthirsty mentors can only be compared with mullahs and generals in Indonesia of 1960’s and with the torturers in Chile, Argentina of military junta, Iran in the epoch of Shah, Greece of Colonels, Spain of Franco, etc.

We hope that you will correct your erroneous position, and will show your solidarity with the class conscious Iranian workers and genuine revolutionary forces who have been engaged in a death or life struggle against the Islamic Republic of Iran., as well as with the revolutionaries of other countries.

You can publish all or a part of this text on your site (and we encourage you to do it).

With the best regards

A group of Iranian communists

www.azarakhsh-org.net

email@azarakhsh-org.net